

تحلیل نظریه‌ها در کارکرد روایات تفسیری بر محور گونه‌شناسی روایات تفسیر نورالثقلین*

محسن قمرزاده^۱

مهدی مهریزی طرقي (نویسنده مسؤول)^۲

سید محمدعلی ایازی^۳

سید محمدباقر حجتی^۴

چکیده:

ارزیابی روایات تفسیری به جهت تعیین دلالت و حجیت، به‌طور معمول از طریق روش استنادی پیمایش می‌شود. اما روش پی گرفته شده در این مقاله، ارزیابی و تحلیل آرای مفسران در استفاده از این روایات و بررسی کارکرد آنها مبتنی بر گونه‌شناسی روایات تفسیری در محدوده نورالثقلین، به روش میدانی است. به‌نظر می‌رسد این روش توانایی بیشتری در کشف واقعیت موجود روایات و کیفیت مشکل‌گشایی آنان در فهم داشته باشد. در این راستا دیدگاه‌ها در حوزه کارکرد عرضه شده است. محل اختلاف آرای اندیشمندان تفسیر اثری، در روایاتی است که به‌طور مستقیم به بیان مراد آیه پرداخته‌اند. به جهت تحلیل دقیق موضع اختلاف، «ارشادی یا غیر ارشادی بودن روایات»، «تبیین موضوع محوری آیه و روایت» و «میزان پوشش روایت نسبت به آیه»، موضوع بررسی قرار گرفته‌اند. با بررسی آماری روایات پیش‌گفته و گونه‌شناسی آن و ارزیابی هر دیدگاه بر اساس نتایج گونه‌شناسی، دیدگاه علامه طباطبایی برگزیده شده است.

کلیدواژه‌ها:

نورالثقلین / روایات تفسیری / کارکرد روایات / نقش روایات / قرآنیون / اخباریون

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱۴، تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2018.49021.1755

- ۱- دانشجوی دکتری واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران gahmarzadehm@gmail.com
- ۲- دانشیار واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران toosi217@gmail.com
- ۳- استادیار واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ayazi1333@gmail.com
- ۴- استاد واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ra.ak.1359@chmail.ir

بیان مسأله

موضوع کارکرد روایات تفسیری از جمله مهم‌ترین مباحث علوم قرآن به‌شمار می‌آید. کارکرد معادل واژه «Function» دارای استعمالات گوناگون است. «Function» از ریشه لاتینی «Functio» به معنای انجام یک وظیفه گرفته شده و در فارسی معادل‌هایی چون نقش، عمل، خدمت و شغل یافته است. در حوزه روایات تفسیری مراد از کارکرد، ایفای نوع نقشی است که روایت نسبت به آیه یا کل قرآن دارد (مقتدایی، ۲۸). کارکرد روایات تفسیری از نگاه متخصصان، گاه معادل گونه قلمداد شده (رستم‌نژاد، ۱۱۱؛ دیاری، ۴۴؛ حیدری و ربیع‌نجاج، ۱۴)، و گاه نسبت روایات با قرآن را به شکل کلان دنبال می‌کند. در حقیقت مبحث دوم مراد نگارندگان است.

در زمینه نقش و کارکرد روایات تفسیری در معنای دوم، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در ادامه خواهد آمد، اما نوع ارزیابی این دیدگاه‌ها حائز اهمیت است. رویکرد مقاله، ارزیابی آرای صاحب‌نظران است که بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه تام در راستای گونه‌شناسی کل روایات نورالثقلین صورت گرفته و این بررسی مبتنی بر نتایج مطالعه، گونه‌شناسی و آمارهای حاصله بر روی بیش از سیزده‌هزار روایات نورالثقلین، در نوع خود کم‌نظیر یا بی‌نظیر است؛ زیرا تا به حال نقد دیدگاه‌ها با تمرکز بر استدلال طرف مقابل و بیان چند نمونه به‌عنوان مؤید صورت پذیرفته است. آسیب عمده این نوع نقدها این است که گاه با واقعیت اشکال فاصله دارند و مبتنی بر برداشت‌های موجود، سامان نیافته و بحث با تکیه بر ذهن مستشکل و بدون تتبع لازم صورت پذیرفته است. مثلاً وقتی سخن از کارکرد و نقش روایات تفسیری می‌شود، باید دید اساساً چه میزان روایات تفسیری خالص داریم؟ چه میزان از این روایات گره تفسیری آیه را حل کرده‌اند؟ بدون تتبع، بحث ذهنی و مبتنی بر پیش‌فرض‌ها سامان می‌یابد.

از این‌رو دغدغه نگارندگان، ارائه نقد منصفانه با تتبع کافی و بدون هیچ‌گونه پیش‌فرض است؛ یعنی اینکه با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه حجم عظیمی



از روایات تفسیری و رسیدن به داشته‌های واقعی این احادیث، کدام کارکرد مطرح شده به حقیقت موجود نزدیک‌تر است؟ و این روایات کدام دیدگاه را در خصوص نقش و نسبتشان با کل قرآن تأیید می‌کنند؟ بدین جهت بر اساس تمرکز بر بیش از سیزده‌هزار روایت نورالثقلین، دیدگاه‌ها در این مورد طرح و ارزیابی می‌شوند.

لازم به ذکر است فرض نویسنده مقاله بر صحت سندی همه روایات تفسیر نورالثقلین بوده و نسبت به مباحث سندی آن اظهار نظر نشده است و این بحث به‌صورت مجزا می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل قرار گیرد که از هدف نویسنده دور بوده است. هرچند پیش‌بینی می‌شود در صورت انجام این پژوهش، نتایجی به‌دست خواهد آمد که صحت نظریه پذیرفته شده در این مقاله را بیش از پیش تأیید و تثبیت خواهد کرد؛ چرا که به‌طور قطع آمار روایات قابل استفاده در تفسیر با سند مورد اعتبار کاهش خواهد یافت؛ به‌خصوص با توجه به اختلاف نظری که در زمینه حجیت روایات تفسیری میان صاحب‌نظران وجود دارد، این آمار کاهش چشم‌گیری پیدا خواهد کرد.

تذکر

در تعریف مصطلح روایات تفسیری آمده است «روایاتی که بخشی از آیه در آن مذکور باشد یا روایت ناظر به آیه‌ای باشد که هرچند متن آیه در آن مذکور نیست، اما روایت به بیان مراد خدا در آیه پرداخته و یا زمینه فهم آن را فراهم می‌سازد» (مهریزی، ۶). با توجه به اینکه رسالت نوشته حاضر بررسی روایات نورالثقلین است و تمام روایات آن منطبق بر تعریف مصطلح نیست، در نتیجه روایات تفسیری بر هر آنچه در تفسیر نورالثقلین و کتب تفسیر روایی جمع‌آوری شده، قلمداد می‌شود؛ گرچه به‌معنای دقیق کلمه نتوان آنها را تفسیری دانست.

پیشینه تحقیق

بر اساس مطالب پیش گفته، مقاله حاضر در پی ارزیابی دیدگاه‌های مرتبط با نقش روایات در قبال قرآن به شکل مطالعات میدانی در روایات موجود است. اثری که شاخصه‌های پیش گفته را با هم داشته باشد، یافت نشد؛ هرچند کتاب‌ها و مقالاتی در موضوع کارکرد روایات وجود دارد؛ مانند کتاب «اعتبار و کاربرد روایت تفسیری» نوشته علی‌احمد ناصح، «نقش روایات در فهم آیات» نوشته سید محمدکاظم طباطبایی، پایان‌نامه «بررسی اعتبار و کاربرد روایات تفسیری از دیدگاه امام خمینی» نوشته علی‌رضا کوهی، و مقالات: «نقش و کارکرد روایات تفسیری معصومان با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی» نوشته محمدتقی دیاری بیدگلی، «بررسی کارکرد روایات تفسیری در «متشابه القرآن» ابن شهر آشوب مازندرانی» نوشته محمدصادق حیدری و سید علی‌اکبر ربیع نتاج، «کارکردهای تطبیق در احادیث تفسیری» نوشته مهدی رستم‌نژاد، «کاربرد حدیث در تفسیر» نوشته محمدهادی معرفت، «حدیث، جایگاه و کارکرد آن در مبانی تفسیری آیت‌الله جوادی آملی» نوشته مجید معارف و محمدامین تفضلی، «سبک‌شناسی تفسیر التبیان در تعامل با روایات تفسیری» نوشته محمد کاظمی، «نقد و بررسی جایگاه روایات در تفسیر فی ظلال القرآن» نوشته احمدرضا فلاح، «جایگاه و کارکرد روایات در تفسیر بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی» نوشته مجتبی خطاط، «نقش احادیث معصومان در تفسیر قرآن» نوشته علی‌نقی خدایاری، «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت» نوشته مهدی مهزیزی، «اعتبار روایات در تفسیر» سایت ویکی‌فقه، «جایگاه منابع مستفاد در فهم قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی» نوشته عباس مصلائی‌پور و نورالدین زندیه، «بررسی مبانی علامه طباطبایی پیرامون بهره‌گیری از روایات در تفسیر المیزان» نوشته عباس زارعی، «علامه طباطبایی و حدیث» نوشته مجید معارف.



دیدگاه‌ها در زمینه کارکرد روایات تفسیری

چهار دیدگاه «قرآن‌بستگی»، «روایت‌محوری»، «قرآن و روایات در عرض یکدیگر (نظریه مشهور)» و «استقلال قرآن در بیان» در بحث تعیین نسبت قرآن و روایات تفسیری مطرح هستند که در ادامه به شکل فشرده، دلایل قائلان و دیدگاه‌هایشان در خصوص نوع کارکرد روایات تفسیری بیان می‌شود.

۱. قرآن‌بستگی

صاحبان این مبنا گروهی موسوم به قرآنیون هستند (طیبی و مهدوی راد، ۷۶) که در دو قرن اخیر به‌عنوان جریان فکری که عمدتاً در اهل سنت هستند، شروع به خودنمایی و عرض اندام کردند. این گروه بر این باورند که قرآن تنها منبع دین است. نکته حائز اهمیت اینکه برخی از نویسندگان، شخصیت‌های شیعه را نیز منتسب به این گروه می‌کنند. به‌طور مثال صاحب کتاب مکاتب تفسیری، برخی از شیعیان را از موافقان نظریه قرآن‌بستگی معرفی کرده است (بابایی، مکاتب تفسیری، ۴۳۴).

نقطه پیدایش این جریان را عمدتاً شبه قاره هند دانسته‌اند که به تدریج کشورهای عربی مثل مصر، سوریه، لیبی، سودان و سایر ممالک اسلامی را دربر گرفت. این جریان کم‌کم به قرآن‌بستگی موسوم شد و به پیروان آن، «قرآنیون» اطلاق گردید.

این گونه نگاه به سنت و احساس استغنا از آن گرچه در دو قرن اخیر انسجام یافت و بروز و ظهور پیدا کرد، اما به نحوی می‌توان پیشینه آن را به اواخر عمر مبارک حضرت رسول ﷺ باز گرداند که شعار «حسبنا کتاب الله» (بخاری، ۳۶/۱، ح ۱۱۴؛ واقدی، ۸۰۶، ح ۵۶۶۹) سر داده شد و به تبع آن، ممنوعیت نگارش حدیث مطرح گردید (بابایی، ۴۳۱).

احمد صبحی منصور، عبدالله جکر الوی، سید احمد خان هندی، خواجه احمدالدین امر تسری، غلام احمد پرویز و عبدالخالق مالواده، از بزرگان و نظریه‌پردازان این مکتب هستند (طیبی و مهدوی راد، ۷۶).

سید احمد خان هندی (۱۸۱۷-۱۹۹۷م) که از مشاهیر قرآنیون است، شرایطی را برای تمسک به روایات مطرح کرد که جز در روایات متواتر لفظی یافت نمی‌شد و از طرفی، متواتر لفظی میان روایات بسیار نادر بود و سایر روایات هم حائز شرایط مد نظر او نبودند. از این رو گرچه خود سید احمد خان منکر سنت نبود، اما مبانی او در پذیرش روایات، بستری را برای پیدایش منکران سنت فراهم آورد تا به کلی منکر حجیت سنت بشوند (حسینی، ۴).

۲. روایت محوری

اخباریان گروهی از شیعه هستند و بر این باورند که روایات، محور فهم در دین هستند و قرآن در بیان خود وابسته تام به حدیث است.

در قرن یازدهم هجری در میان برخی از علمای شیعه، تفکری مبنی بر انحصار ادله استنباط شرع در روایات به وجود آمد. این گروه استفاده از عقل را در دین ممنوع می‌دانستند و اجماع را هم از اهل سنت باطل می‌شمردند (مطهری، ۱۶۸/۲۰). آنها معتقد بودند که مخاطب اصلی قرآن کریم، پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام هستند، از این رو اعتقاد داشتند فهم آن برای هیچ یک از سایر افراد بشر میسر نیست و برای فهم قرآن، ناگزیر باید به معصومان مراجعه کرد، از این رو تنها دلیل معتبر در استنباط احکام شرع از نظر آنها روایات بود (همان).

این جریان فکری اولین بار توسط محمد امین بن محمد شریف معروف، به امین استرآبادی مطرح شد. این جریان در نقطه مقابل اجتهاد و عقل‌گرایی قرار داشت و حتی قطعی را که از مقدمات عقلیه حاصل می‌شد، فاقد اعتبار می‌دانستند (انصاری، ۶۷/۱). مرحوم استرآبادی منکر اجتهاد و عقل در دین بود، از این رو باب فهم قرآن را نیز فقط از طریق روایات ممکن می‌دانست (استرآبادی، ۱۰۶). به اقتضای این



مبنای فکری، قرآن به هیچ وجه به تنهایی قابل استفاده نبوده و هیچ‌گونه برداشتی از قرآن برای غیر معصوم جایز نیست.

شهید مطهری در معرفی این گروه و پیشینه آنها می‌گوید:

«اخباریین مدعی هستند که قدمای شیعه تا زمان «صدوق»، همه مسلک اخباری داشتند. ولی حقیقت این است که اخباریگری به صورت یک مکتب با یک سلسله اصول معین که منکر حجیت عقل باشد، و همچنین حجیت و سندیت قرآن را به بهانه اینکه فهم قرآن مخصوص اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله است و وظیفه ما رجوع به احادیث اهل بیت علیهم السلام است منکر شود، و همچنین بگوید اجماع، بدعت اهل تسنن است. پس از ادله اربعه، یعنی کتاب و سنت و اجماع و عقل، تنها سنت حجت است، و همچنین مدعی شود که همه اخباری که در کتب اربعه یعنی کافی و من لایحضره الفقیه و تهذیب و استبصار آمده، صحیح و معتبر، بلکه قطعی الصدور است. خلاصه مکتبی با این اصول، بیش از چهار قرن پیش وجود نداشته است.» (مطهری، ۱۶۸/۲۰)

ایشان در مورد عواقب این تفکر بیان می‌دارد:

«به حکم این مکتب چون حجیت و سند منحصر به احادیث است و حق اجتهاد و اعمال نظر هم نیست، مردم موظف‌اند مستقیماً به متون مراجعه کنند و به آنها عمل نمایند و هیچ عالمی را به عنوان مجتهد و مرجع تقلید واسطه قرار ندهند.» (همان)

۳. قرآن و حدیث در عرض یکدیگر (نظریه مشهور)

این نظریه بر حجیت روایاتی که ناظر بر آیات قرآن (ناظر به مفهوم و محتوای آیه) هستند، در کنار حجیت ظواهر قرآن کریم استوار است. طبق این دیدگاه، برخی از روایات برای آیات قرآن در حکم قرآینی هستند و در عرض آیات قرآن دارای حجیت می‌باشند. به عبارتی، قرآن مانند هر متکلم دیگر برای بیان مراد خودش، به قرآینی تکیه کرده که فهم قرآن بدون رجوع به این قرآین ممکن نیست. برخی از

این قراین که قراین درون‌متنی نام دارند، از خود قرآن هستند و برخی دیگر که قراین برون‌متنی نام دارند، خارج از قرآن و در کلام پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده‌اند (بابایی، عزیزی کیا، روحانی راد، ۱۹۶). این نظریه بین مفسران فریقین از شهرت زیادی برخوردار است. بیشتر اندیشمندانی که در عرصه تفسیر ورود داشته‌اند، در عمل به این طریقه پایبند هستند (معرفت، التفسیر الاثری الجامع، ۹۸/۱).

از جمله دانشمندان معاصری که قائل به حجیت روایات تفسیری هستند، می‌توان به آیات عظام خویی، فاضل لنکرانی و آیت‌الله معرفت اشاره نمود. البته این قرینه بودن، شامل روایاتی است که به صورت مشخص ناظر به مفهوم آیه بوده و برای کشف مراد الهی کاربرد دارند. به همین خاطر برخی دیگر از روایات که به صورت خاص تفسیری نیستند و برای تأویل یا علت دیگری آمده‌اند و به اصطلاح تفسیری نیستند، در حکم قرینه آیه محسوب نمی‌شوند، بلکه نقش تکمیلی و تفصیلی آیه را ایفاد می‌کنند. در نورالثقلین تعداد روایات تفسیری مستقیم حدود دوهزار و پانصد روایت است.

پیشینه این نظریه به صحابه و تابعان مفسر ارجاع داده می‌شود که به استناد روایات، به تفسیر آیات پرداخته‌اند؛ به این صورت که تمام آیاتی را که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌شنیدند، معنا و تفسیرش را نیز از حضرت درخواست می‌کردند و بر اساس شنیده‌های خود، تفسیر آیات را عرضه می‌داشتند (همو، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ۱۷۴/۱).

۴. استقلال قرآن در بیان

اساس نظریه بر این مطلب است که قرآن متصدی ترسیم خطوط کلی برای هدایت بشر است و معصومان متکفل بیان جزئیات آن هستند. آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید:

«قرآن کریم که بیانگر خطوط کلی معارف دین است، در تبیین خطوط اصلی



معارف دین کاملاً روشن است. در سراسر قرآن از نظر تفسیری مطلب تیره و مبهمی نیست؛ زیرا اگر الفاظ آیه‌ای به تنهایی نتواند مطلوب خود را بیان کند، آیات دیگر قرآن کاملاً عهده‌دار روشن شدن اصل مطلب آن خواهد بود؛ اما تبیین جزئیات، خصوصیات و حدود آن خطوط کلی، بر اساس آیات ذیل بر عهده رسول اکرم ﷺ است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل/۴۴)، ﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (حشر/۷) و ﴿اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ (نساء/۵۹). پس از دوران رسالت نیز با رهنمود حضرت رسول اکرم ﷺ در حدیث ثقلین، این سمت به امامان اهل بیت علیهم‌السلام سپرده شده است. (جوادی آملی، ۲۸)

با عنایت به موارد پیش‌گفته، علامه طباطبایی در بیانی انتقادی نسبت به سبک تفسیری متکلمان، فلاسفه، اهل تصوف و ... می‌نویسد:

«تمام اختلافاتی که بین ارباب مذاهب در تفسیر مشاهده می‌شود، هیچ یک از اینها راجع به اختلاف در مفهوم کلمه یا جمله از حیث لغت یا عرف عربی نیست؛ زیرا قرآن عربی مبین است و کسی که آشنا به عربی و اسالیب بیان در عربی باشد، در فهم معنای کلمات و جملات قرآن در مانده نمی‌شود. در بین تمام آیات قرآن که حدود چند هزار آیه است، آیه‌ای نیست که در مفهومش دارای اغلاق و تعقید باشد؛ به حیثی که ذهن انسان در فهم آن متحیر شود. البته غیر از این هم نمی‌تواند باشد؛ زیرا این کتاب فصیح‌ترین کتاب است و شرط فصاحت این است که خالی از اغلاق و تعقید باشد. حتی آیاتی که جزء متشابهات قرآن هستند؛ مانند آیات منسوخه و... نیز از نظر مفهوم در غایت وضوح‌اند و اگر تشابهی در آنها هست، از جهت مصداق است و این یک امر ظاهر است. اما اختلافی که بین ارباب تفاسیر مشاهده می‌شود، ناظر به مصادیق است که مفاهیم مفردات و مرکبات قرآن بر آن منطبق می‌شوند.» (طباطبایی، ۹/۱)

از دیدگاه علامه، عرف و عادت انسان‌ها بر این است که با شنیدن الفاظ، ذهن آنها به سمت معانی خارجی‌شان منتقل می‌شود و قرآن نیز از این قاعده مستثنا

نیست، اما مشکل این رویه عرفی در آیاتی از قبیل ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ (طه/۵) ظاهر می‌شود که اگر برای فهم آن بر عرف و عادت تکیه شود، در فهم مقاصد آنها اشکال پیش می‌آید که برای برون‌رفت از این مشکل، دو راه متصور است:

۱- با مباحث علمی، فلسفی، عرفانی و ... در پی حل مشکل معنایی آیه رفته و آیه بر نتیجه مباحث حمل گردد.

۲- برای حل فهم آیه، قرآن با خود قرآن تفسیر شود؛ به این صورت که معنای آیه مورد نظر با تدبّر در آیات مشابه آن و سایر آیات به دست آید. همان گونه که خداوند درباره قرآن فرموده: ﴿نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل/۸۹)، ﴿هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ (بقره/۱۸۵)، ﴿أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا﴾ (نساء/۱۷۴). علامه بیان می‌دارد که روش صحیح در تفسیر قرآن همین روش دوم است؛ زیرا چگونه می‌تواند قرآن تبیان هر چیزی باشد، ولی تبیان خودش نباشد. یا چگونه می‌تواند قرآن هدایت، بینه، فرقان و نور مبین برای مردم در جمیع حوایج آنها باشد، ولی در احتیاج مردم به خودش هدایت و بینه و ... نباشد (همان، ۱۲).

گونه‌شناسی مختار

به منظور ارزیابی دیدگاه‌ها بر اساس گونه‌شناسی روایات نورالثقلین، لازم است اشاره شود که گونه‌شناسی کل روایات تفسیر نورالثقلین مبتنی بر چه شیوه‌ای صورت پذیرفته است. توضیح آنکه به جهت وجود ملاحظات در تقسیم‌بندی‌های موجود از گونه‌های روایات تفسیری، تقسیم‌بندی اختصاصی مورد استفاده قرار گرفته و روایات نورالثقلین بر اساس آن تقسیم‌بندی، گونه‌شناسی شده است. این مقاله بر محور نتایج حاصل از گونه‌شناسی مذکور سامان یافته است (قمرزاده، ۲۳). هرچند ضروری است که در مجال دیگر این گونه‌شناسی مختار تشریح گردد، از این رو اثبات آن به مجال دیگری موکول و گونه‌شناسی مختار در این مقاله اصل



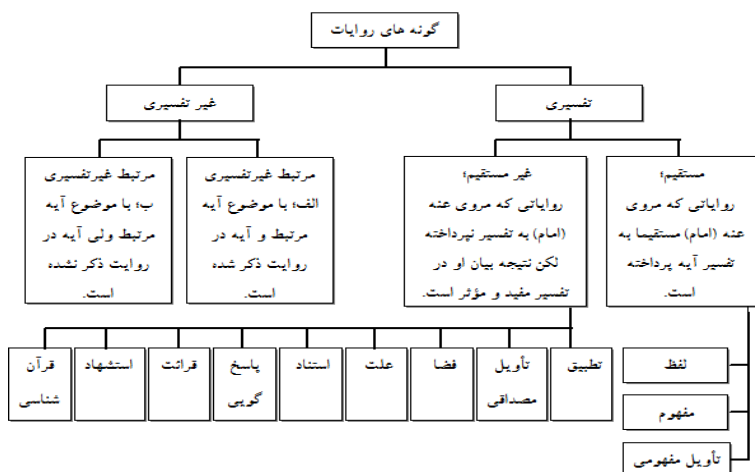
مفروض تلقی می‌گردد. در ادامه خلاصه دسته‌بندی و گونه‌شناسی مختار آمده است:

ابتدا در یک تقسیم‌بندی کلی، روایات به دو دسته تفسیری و غیر تفسیری تقسیم شده و روایات تفسیری نیز خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول روایات تفسیری مستقیم هستند که در آنها به صورت مشخص مطالبی بیان شده که به طور مستقیم به تفسیر آیه پرداخته شده است و در قالب معنای اصطلاحی تفسیر که پرده‌برداری از آیات قرآن است، می‌گنجد. این گروه خود شامل سه قسم است: ایضاح لفظی، ایضاح مفهومی و تأویل مفهومی که شرح آنها خواهد آمد (همان).

گروه دوم روایات تفسیری غیر مستقیم هستند که به طور مستقیم به تفسیر نپرداخته، اما مطالبی در آن بیان شده که می‌توان از آنها نتایج تفسیری گرفت و در تفسیر مورد بهره‌برداری قرار داد. در این نوع روایات، مفسر در فرایند بهره‌گیری تفسیری از روایات قرار دارد. مثلاً از شأن نزول استفاده می‌کند و تفسیر آیه را با حذف احتمالات تفسیری انجام می‌دهد، یا از روایات تطبیقی استفاده می‌کند و بر اساس آن، مصادیق مراد آیه را بهتر بیان می‌کند. این دسته شامل ترسیم فضای نزول، تطبیق، تأویل مصداقی، علت، استناد به قرآن، پاسخ با قرآن، قرائات مختلف، استشهاد و قرآن‌شناسی می‌باشد (همان).

روایات غیر تفسیری روایاتی است که با موضوع آیه مرتبط است، اما ارتباط تفسیری با آیه ندارد. بیشتر این روایات نقش تکمیلی و تبیینی به خود می‌گیرند، اما در فرایند پرده‌برداری از مراد خدا در قرآن دخالتی ندارند که مشتمل بر روایات غیر تفسیری الف و ب می‌باشد (همان).

نمودار زیر گویای تقسیم‌بندی مذکور می‌باشد (منظور از «مروی عنه» در این مقاله، فردی است که روایت به او منتهی می‌شود و روایت کلام او را نقل می‌کند که در بیشتر موارد معصوم ع می‌باشد و در مواردی نیز فردی غیر از معصوم است که سند روایت به او منتهی شده و نامی از معصوم در آن نیست).



مفهوم‌شناسی گونه‌های مطرح در جدول‌ها

لفظ: تبیین یک کلمه از جنبه واژه‌شناسی و معنای لغوی، ریشه‌یابی، وجه تسمیه و ... (خاکپور، ۹۵-۱۰۳).

مفهوم: تبیین مراد و مفهوم خدا، ارائه معنای مراد از لفظ یا الفاظ آیه یا نسبت میان الفاظ و جمله‌ها با یکدیگر (ایازی، ۱۴۵-۱۵۱).

تأویل مفهومی: بیان مفهومی فراتر از مفهوم ظاهری که بدون داشتن علم الهی و از راه‌های عادی تفسیر و از ظاهر آیه نمی‌توان به آن دست یافت (محمدی فام، ۷۸).

تطبیق: بیان مصداقی از مصادیق یک واژه یا تطبیق عام یا خاص مفهوم ظاهری آیه بر افراد یا شرایط مشابه مذکور در آیه (همان).

تأویل مصداقی: بیان مفهوم یا مصداقی فراتر از مفهوم ظاهری آیه که بدون داشتن علم الهی و از راه‌های عادی تفسیر و از ظاهر آیه نمی‌توان به آن دست یافت (همان).

فضا: بیان زمینه‌ها، شرایط و مصداق زمان نزول یک یا چند آیه، شرایط پیش از نزول یا پس از نزول (مهریزی، ۱۰-۲۰).

علت: بیان چرایی و علت صدور احکام یا حکمت اتفاقاتی که در آیه مطرح شده است (قمرزاده، ۲۹).

استناد: بیان آیه توسط امام به جهت مستند نمودن سخن یا عمل خود به قرآن (مهریزی، ۱۰-۲۰).

پاسخ‌گویی: بیان آیه در مواجهه با مخاطب به جهت پاسخ‌گویی، تأیید یا اقناع مخاطب (همان).

قرائت: بیان قرائتی خاص توسط معصوم (همان).

استشهاد: آموزش معارف و مطالب مذکور در آیه بدون بیان تفسیر آن (ارائه تفسیر موضوعی یا پیام‌های آیه) (قمرزاده، ۳۲).

قرآن‌شناسی: بیان مسائل پیرامونی قرآن که در علوم قرآن بحث می‌شود؛ مانند ناسخ و منسوخ، فضایل سوره‌ها و ... (همان، ۳۳).

ارائه جدول‌ها و نمودارها بر اساس گونه‌شناسی روایات نورالثقلین

در این بخش از مقاله، نتایج گونه‌شناسی روایات نورالثقلین در قالب جدول و آمار عرضه می‌گردد. توضیح اینکه همان‌طور که در گونه‌شناسی مختار گذشت، روایات به دو دسته روایات تفسیری و غیر تفسیری تقسیم شدند. نگارنده در طی فرایند زمانبر و تخصصی بر مبنای گونه‌شناسی صورت گرفته، به جدول زیر که مشتمل بر نمای کلی از گونه‌شناسی تمام روایات نورالثقلین است، رسیده است (همان، ۶۳).

جدول ۱: گونه‌شناسی روایات معصومان علیهم‌السلام

غیر تفسیری			تفسیری غیر مستقیم							تفسیری مستقیم			تکراری	تعداد احادیث		
مجموع	ب	الف	مجموع	قرآن شناسی	استشهاد	قرائت	پاسخ گویی	استناد	علت	فضا	تطبیق	مجموع			مفهوم	لفظ
۵۰۰۶	۴۳۵۶	۶۵۰	۳۳۳۷	۶۱۶	۱۰۰۵	۲۱۳	۱۵۹	۶۳۶	۱۰۶	۶۰۲	۳۷۱۴	۲۲۷۵	۲۰۸۵	۱۹۰	۹۶	۱۳۶۵۰

۱. روایات تفسیری مستقیم

نکته کلیدی برای ارزیابی دیدگاه‌ها، روشن شدن محل نزاع است. سخن از آن دسته از روایاتی است که مستقیم به حوزه تفسیر پرداخته‌اند. همان‌طور که گذشت،

بر اساس دسته‌بندی روایات نورالثقلین، روایات به سه دسته روایات تفسیری مستقیم، روایات تفسیری غیرمستقیم و روایات غیر تفسیری تقسیم شدند. با عنایت به اینکه دیدگاه‌ها در روایات تفسیری بیشتر بر روایات تفسیری مستقیم تمرکز دارد، و بیشتر نظریات درباره کارکرد و نقش روایات تفسیری بر محور نقش تفسیری روایات است و اینکه نقش تفصیلی و تکمیلی روایات محل نزاع نیست، در نتیجه باید تمرکز روی روایات تفسیری مستقیم قرار گیرد تا بر اساس مطالعه‌ای که انجام شده، روشن شود کدام دیدگاه به واقعیت موجود نزدیک‌تر و کدام دورتر است.

حدود دوهزار روایت از سیزده‌هزار روایت نورالثقلین، روایات تفسیری مستقیم هستند که متشکل از احادیث ایضاح مفهومی، ایضاح لفظی و تأویل مفهومی هستند.

گونه ایضاح لفظی به روایاتی گفته می‌شود که یک کلمه را از جنبه واژه‌شناسی و معنای لغوی، ریشه‌یابی، وجه تسمیه و ... تبیین کند (همان، ۲۵). مثال: «قال رسول الله ﷺ: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾ قال: الإحسار الإقتار»؛ پیامبر ﷺ فرمود: احسار به معنای اقتار می‌باشد (عروسی حویزی، ۱۵۹/۳).

گونه ایضاح مفهومی به روایاتی گفته می‌شود که ارائه معنای مراد از لفظ یا الفاظ آیه یا نسبت میان الفاظ و جمله‌ها با یکدیگر را بیان کند و مراد الهی را از آیه بیان نماید (قمرزاده، ۲۶). مثال: «یونس بن ظبیان عنه ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا﴾ امة واحدة»؛ یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام در مورد ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا﴾ روایت کرده که فرمود: امت قانت یعنی امت واحده (عروسی حویزی، ۹۳/۳). امام علیه السلام در این روایت، مفهوم امت قانت را بیان می‌فرماید.

گونه تأویل مفهومی مربوط به روایاتی است که به بیان مفهومی فراتر از مفهوم ظاهری آیه اشاره دارد که بدون داشتن علم الهی و از راه‌های عادی تفسیر و از ظاهر آیه نمی‌توان به آن دست یافت (قمرزاده، ۲۶). مثال: «عن الصادق علیه السلام حدیث طویل یقول فیہ: «کهبعض» معناه أنا الکافی الہادی الولی العالم الصادق الوعد»؛ از امام



صادق علیه السلام در مورد آیه اول سوره مریم نقل شده که فرمود: «کهیصص» معنایش این است: من کافی، هادی، ولی، عالم و صادق الوعد هستم (عروسی حویزی، ۳/۳۲۰). در این روایت امام علیه السلام به معنای بطنی حروف مقطعه اول سوره مریم اشاره می‌فرماید.

آمار روایات تفسیری مستقیم بر اساس گونه‌ها به شرح زیر است:

الف) جدول و نمودار کلی روایات تفسیری مستقیم

جهت تبیین هرچه بیشتر، ابتدا جدول و نمودار زیر، آمار روایات تفسیری را به صورت کلی و سپس به تفکیک گونه‌های ایضاح لفظی، ایضاح مفهومی و تأویل مفهومی مشخص می‌کند. آمار روایات تفسیری مستقیم در جدول زیر مشخص است.

جدول ۲: آمار روایات تفسیری مستقیم

کل روایات: ۱۳۶۵۱	مجموع	لفظ	مفهوم	تأویل مفهومی
روایات تفسیری مستقیم	۲۲۰۹	۱۹۰	۲۰۱۷	۶۸

همان گونه که مشاهده می‌شود، تنها ۱۶٪ کل روایات نورالثقلین، تفسیری مستقیم است.

به منظور داوری و ارزیابی دیدگاه‌ها از بین چهار نظریه پیش‌گفته، صرف اطلاع فوق که چند درصد از روایات نورالثقلین تفسیری مستقیم هستند، کفایت نمی‌کند، بلکه لازم است مطالعه بیشتری بر روی روایات تفسیری صورت پذیرد، مثل اینکه این روایات ارشادی هستند یا غیر ارشادی؟ موضوعات محوری روایت در آیه چیست؟ این روایات کل آیه را پوشش داده یا بخشی از آیه را؟ توضیح و جداول و نیز آمارهای مربوط به هر سؤال به همراه بیان نمونه و توضیح و تحلیل هر کدام در پی خواهد آمد و سپس ارزیابی صورت می‌پذیرد.

ارشادی و غیر ارشادی

از جمله تحلیلاتی که لازم است روی روایات تفسیری مستقیم صورت پذیرد، ارشادی یا غیر ارشادی بودن روایات است. روایاتی که مضمون آن بدون استمداد از معصومان قابل فهم عادی نیست، با عنوان غیرارشادی مطرح شده، و روایاتی که

مضمون آن به صورت عادی قابل فهم است و نیازی به بیان معصوم ندارد و بیان معصوم اشاره به فهم عادی است، با عنوان ارشادی بیان شده است. برخی از روایات نیز که شامل هر دو نوع بیان می‌باشد، با عنوان غیرارشادی / ارشادی مطرح شده است.

شاخص و ملاک تشخیص غیرارشادی و ارشادی روایات

مواردی که روایات در مقام بیان فعل شرعی، تبلیغ دین، وحی و جایگاه مولوی نوعیه بوده، انحصاری و غیرارشادی است و مواردی که فعل عادی بوده، از مقام حاکم و قاضی و متعلق به فضا و زمان و مکان و فرد خاص بوده، از باب ارشاد بوده، عدم انحصاری و ارشادی خواهد بود. مواردی که روایت در صدد تعیین و تثبیت دو معنای احتمالی است، مواردی که در صدد بیان مصداق انحصاری است، و مواردی که بر خلاف ظاهر آیه تفسیر شده، آن روایت انحصاری و غیرارشادی و در غیر از این موارد، ارشادی می‌باشد.

نمونه غیرارشادی: «فی عیون الاخبار عن الرضا علیه السلام حدیث طویل و فیه: ان الله تبارک و تعالی خلق آدم فأودعنا صلبه و أمر الملائكة بالسجود له تعظیما لنا و إكراما، و كان سجودهم لله تعالی عبودية، و لآدم إكراما و طاعة لكوننا فی صلبه، فكيف لا نكون أفضل من الملائكة و قد سجدوا لآدم كلهم أجمعون»؛ همانا خداوند تبارک و تعالی آدم را خلق کرد و ما را در صلب او به ودیعت گذاشت و به ملائکه دستور داد به جهت بزرگداشت و گرامیداشت ما سجده کنند. و سجده آنها برای خدا به جهت عبودیت بود و برای آدم به جهت گرامیداشت و فرمان‌پذیری بود؛ چرا که ما در صلب او بودیم. پس چگونه می‌شود که ما از ملائکه برتر نباشیم، در حالی که همه آنها برای آدم سجده کردند (عروسی حویزی، ۵۸/۱).

این روایت در توضیح مفهوم سجده ملائکه برای آدم مطالبی را بیان می‌کند که فهم آن در انحصار معصوم می‌باشد و غیر معصوم بدون این بیان، درکی از آن نمی‌تواند داشته باشد.

نمونه ارشادی: «و باسناده الی عبد الله بن یزید بن سلام انه سأل رسول الله ﷺ فقال: أخبرني عن آدم لم سمى آدم؟ قال لأنه من طين الأرض و أدبهما!» از رسول الله ﷺ سؤال شد: برای چه آدم به نام آدم نامگذاری شد؟ فرمود: زیرا از خاک روی زمین ساخته شده است (همان).

در این روایت در توضیح لفظ آدم و وجه تسمیه آن مطلبی را می‌فرماید که با مراجعه به کتب لغت می‌توان به آن پی برد و بدون بیان معصوم نیز قابل فهم می‌باشد. از مجموع روایات تفسیری مستقیم، ۶۰٪ روایات ارشادی می‌باشد که در صورت عدم بیان معصوم نیز توسط مفسر قابل دستیابی و فهم می‌باشد. به عبارتی دیگر از حدود ۱۶٪ روایات تفسیری مستقیم، صرفاً ۴۰٪ روایت تفسیری مستقیم غیر ارشادی هستند.

نمودار ۱: آمار روایات تفسیری مستقیم از نظر میزان وابستگی به معصوم



موضوع محوری روایت و آیه

از دیگر نکاتی که مطالعه بیشتر در روایات تفسیری مستقیم را می‌طلبد، بررسی موضوع محوری روایت و آیه است تا از این رهگذر، تمرکز بر محل نزاع و دستیافت نتیجه تسهیل گردد. به طور مثال در بحث موضوع فقه، همه طرف‌های نزاع اتفاق دارند که به‌کارگیری آن در قرآن بلامانع است. از نظر موضوع آیات، روایاتی که ذیل آیات العقائد آمده، با عنوان «عقاید»، روایاتی که ذیل آیات الاخلاق آمده، با عنوان «اخلاق»، روایاتی که ذیل آیات الفقه آمده، با عنوان «فقه» و روایاتی که ذیل آیات القصص آمده، با عنوان «قصص» مشخص شده است.

مثال عقاید: «علی بن محمد مرسلًا عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: اعلم علمك الله الخیر و ذکر حدیثا طویلاً یقول فیہ: و اما الخیر فالذی لا یعزب عنه شیء، و لا یفوتہ

لیس للتجربة و لا للاعتبار بالأشیاء»؛ از امام رضا علیه السلام ذیل آیه ۱۴ سوره ملک نقل شده که فرمود: خبیر کسی است که هیچ چیزی از او مخفی نمی‌ماند و هیچ چیزی از او فوت نمی‌شود، نه به جهت تجربه و نه به خاطر آزمایش اشیا (همان، ۳۸۳/۵). در آیه ۲۹ سوره ملک می‌فرماید: ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾. امام علیه السلام در تشریح صفت خبیر فرموده‌اند که از صفات خداوند و مربوط به حوزه عقاید (توحید) می‌باشد.

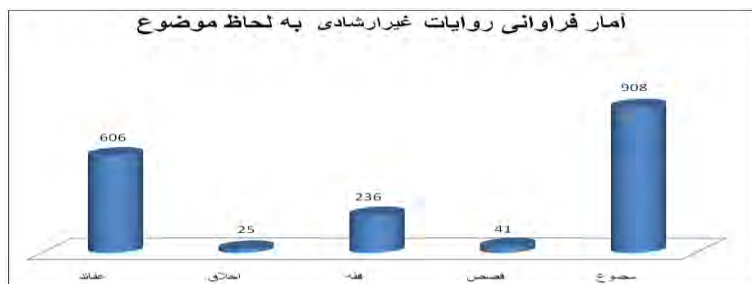
مثال اخلاق: «فی کتاب معانی الاخبار باسناده الی أحمدبن هلال قال: سألت أبا الحسن الأخير علیه السلام عن النصوص ما هی؟ فكتب علیه السلام ان یکون الباطن کالظاهر و أفضل من ذلک»؛ احمدبن هلال می‌گوید در نامه‌ای از امام هادی علیه السلام در مورد توبه نصوص پرسیدم. نوشت: اینکه باطن مثل ظاهر و بهتر از آن باشد (همان، ۳۷۳).

مثال قصص: «قال أبو عبدالله علیه السلام لرجل: ما الفتی عندکم؟ فقال له: الشاب، فقال: لا، الفتی المؤمن، ان أصحاب الکهف کانوا شیوخا فسمّاهم الله عز و جل فتیة بایمانهم»؛ امام صادق علیه السلام به شخصی فرمود: فتی نزد شما چیست؟ گفت: جوان. فرمود: نه! فتی یعنی مؤمن. همانا اصحاب کهف پیر بودند، ولی خداوند آنها را به دلیل ایمانشان جوان خوانده است (همان، ۲۴۵).

در این روایت که ذیل داستان اصحاب کهف آمده، به معنای «فتیه» که در آیه ۱۰ سوره کهف آمده، می‌پردازد.

از میان ۴۰٪ روایت غیرارشادی، ۶۶٪ روایات مربوط به حوزه عقاید می‌باشد که حجیت روایات در این حوزه محل بحث است و بر اساس مبنای علامه، خبر واحد در این حوزه حجیت ندارد.

نمودار ۲: آمار فراوانی روایات غیر ارشادی به لحاظ موضوع



در مورد روایات سایر موضوعات (فقه، اخلاق و قصص) که ۴۴٪ از روایات غیر ارشادی است نیز بحثی در مراجعه به روایات برای فهم جزئیات و تفصیلات آیات نیست. در نتیجه آنچه که از روایات به صورت مستقل در تفسیر نقش ایفا می‌کند، فقط روایات غیر ارشادی در حوزه اخلاق، فقه و قصص است که بر اساس آمار، بخش کوچکی از کل روایات می‌باشد که ۳۰۲ روایت است و حدود ۲/۵٪ کل روایات می‌باشد.

نمودار ۳: آمار روایات قابل استفاده مستقل در تفسیر



روشن است که این حجم کوچک قابلیت منبع قرار گرفتن برای دریای بی‌کران فهم و تفسیر قرآن را ندارد و تنها می‌تواند مؤیدی برای فهم قرآن به قرآن باشد؛ چنان‌که دیدگاه علامه طباطبایی نیز همین مطلب را بیان می‌کند.

میزان پوشش روایت نسبت به آیه

میزان پوشش روایت نسبت به آیه از جمله نکاتی است که می‌تواند در تحلیل و ارزیابی آرای صاحب‌نظران ایفای نقش کند. از نظر میزان پوشش روایت نسبت به آیه، روایات به دو گروه تقسیم می‌شوند: روایاتی که کل یک آیه را پوشش تفسیری داده و معمولاً ذیل آیات کوتاه آمده است (که با عنوان کل آیه مطرح شده است)، و روایاتی که بخشی از یک آیه را پوشش تفسیری داده است (که با عنوان بعض آیه مطرح شده است).

مثال روایتی که کل آیه پوشش داده است: «قال: و قال جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فی قوله عز و جل «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» قال: يقول: أرشدنا الى الصراط المستقیم،

أرشدنا للزوم الطريق المؤدى الى محبتك، و المبلغ دينك، و المانع من أن نتبع أهواءنا فنعطب، أو نأخذ بآرائنا فنهلك»؛ امام صادق عليه السلام درباره آیه «اهدنا الصراط المستقيم» فرمود: راهنمایی مان کن به صراط مستقیم، راهنمایی مان کن به همراهی راهی که به محبت تو منجر می‌شود و به دین تو می‌رساند و مانع می‌شود که از خواهش‌های نفسانی پیروی کنیم و خسته شویم یا دنباله‌روی نظریات خود کنیم و هلاک شویم (عروسی حویزی، ۲۲/۱).

در این روایت تمام آیه «اهدنا الصراط المستقيم» تفسیر مفهومی شده است. مثال روایتی که بخشی از آیه را پوشش داده است: «و قوله عز و جل: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ﴾ يقول: ما ينقص من الليل يدخل في النهار، و ما ينقص من النهار يدخل في الليل»؛ در مورد آیه ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ﴾ فرمود: آنچه که از شب کم می‌شود و داخل در روز می‌شود و آنچه که از روز کم می‌شود و وارد شب می‌شود (همان، ۲۱۶/۴).

در این روایت بخشی از آیه ۲۹ سوره لقمان تفسیر شده است.
جدول ۳: آمار روایات تفسیری مستقیم از نظر میزان پوشش آیات

کل روایات: ۱۳۶۵۱	مجموع	لفظ	مفهوم	تأویل مفهومی
روایات تفسیری مستقیم	۲۲۰۹	۱۹۰	۲۰۱۷	۶۸
تفسیر کل آیه	۵۵	۱	۳۶	۲۲
تفسیر بعض آیه	۲۱۵۴	۱۸۹	۱۹۷۱	۴۶

ملاحظه می‌شود که صرفاً ۵۵ روایت از کل روایات، تفسیر تمام آیه را پوشش داده است.

بر اساس توضیحات پیشین، آمار و جداول کلان و اختصاصی در سه گونه ایضاح لفظی، ایضاح مفهومی و تأویل مفهومی ارائه می‌شود که برای هر کدام ضمن تعریف و توضیح، مثال‌هایی نیز عرضه شد.

جدول ۴: آمار روایات تفسیری به صورت کلی و به تفکیک گونه‌ها

کل روایات: ۱۳۶۵۱	مجموع	لفظ	مفهوم	تأویل مفهومی
روایات تفسیری مستقیم	۲۲۰۹	۱۹۰	۲۰۱۷	۶۸
ارشادی	۱۲۹۵	۱۶۹	۱۱۶۷	۰
غیرارشادی	۹۰۸	۲۰	۸۳۴	۶۶
غیرارشادی/ارشادی	۶	۱	۶	۲
کل آیه	۵۵	۱	۳۶	۲۲
بعض آیه	۲۱۵۴	۱۸۹	۱۹۷۱	۴۶
عقاید	۱۳۵۴	۹۷	۱۲۳۲	۶۵
اخلاق	۲۱۵	۱۲	۲۰۵	۱
فقه	۳۴۲	۲۵	۳۲۰	۱
قصص	۲۹۸	۵۶	۲۵۰	۱

نمودار ۴: نمودار آمار کلی روایات تفسیری مستقیم



بررسی دیدگاه‌ها بر اساس آمار و نتایج به دست آمده

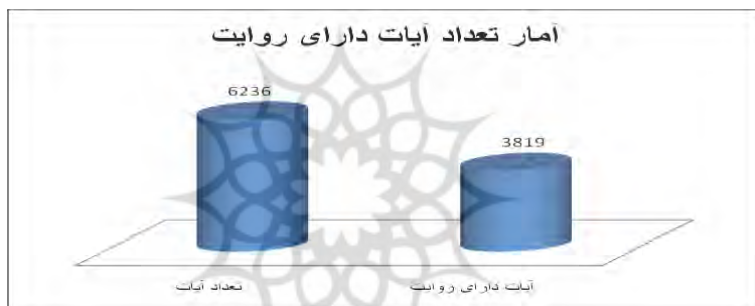
چهار دیدگاه در این زمینه مطرح شده که عبارت است از: ۱- قرآن‌بستگی، ۲- روایت‌محوری، ۳- قرآن و روایات در عرض یکدیگر (نظریه مشهور)، ۴- استقلال قرآن در بیان. از میان این چهار دیدگاه، نفی دو دیدگاه اول روشن است که به اختصار ادله آن مطرح می‌شود.

دیدگاه اول یعنی «قرآن‌بستگی» بر اساس ادله مسلم و متواتر از قرآن و روایات که جایگاه ویژه‌ای برای ائمه و کلام آنها قائل‌اند، از مورد بحث خارج شده و

مردود می‌باشد؛ زیرا هیچ نقشی برای روایات متصور نیست. شیعه نیز توجهی به این دیدگاه ندارد. در واقع نیازمندی به روایات در بحث دین در منظر شیعه امری مسلم است و محل نزاع، وابستگی تفسیر قرآن به حدیث است، نه اینکه به شکل تام ضرورت مراجعه به روایات را در امر دین منکر شوند.

دیدگاه دوم یعنی «روایت‌محوری» که تمام نقش را به روایات داده و غیر ائمه را در فهم قرآن ناتوان می‌داند، بر اساس آمار به دست آمده، قولشان با مشکل جدی مواجه است؛ زیرا در پژوهش انجام شده حدود ۴۰٪ آیات در تفسیر نورالثقلین روایت ندارند و حتی در سایر تفاسیر، آمار کمابیش به همین منوال است (قمرزاده، ۱۷۶). در نمودار زیر نسبت آیات روایت‌دار و بدون روایت مشخص شده است.

نمودار ۵: آمار تعداد آیات دارای روایت



آیاتی هم که روایت دارند، صرفاً ۱۶٪ از آنها تفسیری مستقیم هستند.

نمودار ۶: آمار تناسب روایات با تفسیر



از این ۱۶٪ فقط ۵۵ روایت کل آیه را تفسیر کرده و بقیه که بیش از ۹۷٪ روایات را تشکیل می‌دهد، بخشی از آیه را پوشش دادند. پس بخش عظیمی از این آیات هم بدون روایت و تفسیر هستند.

۶۰٪ این روایات نیز ارشادی هستند. این بخش از روایات ناظر به قرآن است که بیش از نیمی از احادیث منقول مربوط به آن، از تفسیرهایی است که جنبه تبعیدی ندارد و اگر از سوی اهل بیت هم بیان نمی‌شد، باز از سوی عالمان قابل فهم و درک بود و یا درک آن با تأخیر بیشتری انجام می‌گرفت، چنان‌که امروز درکی از آیات برای تفاسیر اجتهادی اهل سنت فراهم شده است؛ هرچند متکی به این روایات نبوده است.

۴۰٪ از این روایات غیرارشادی هستند که بیشتر در حوزه عقاید مطالبی را طرح نموده‌اند، در نتیجه به استثنای قرینه آمدن برای فهم طبق مبنای کسانی که خبر واحد در عقاید را حجت نمی‌دانند، این روایات کارساز نیست.

نمودار ۷: آمار فراوانی روایات غیرارشادی به لحاظ موضوع

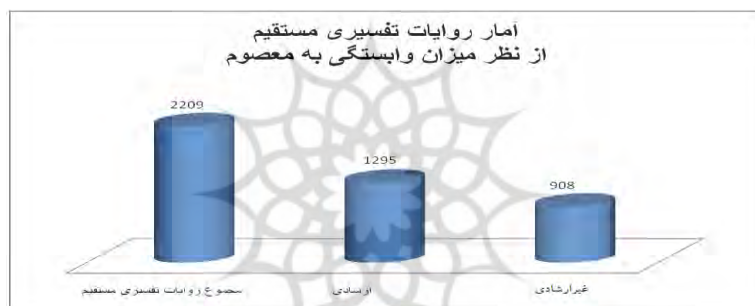


بنابراین بر اساس نظریه روایت‌محوری، بخش اعظم آیات قابل فهم نیست و نمی‌توان آنها را تفسیر کرد و بدون استفاده می‌شوند. دو دیدگاه «قرآن و روایات در عرض یکدیگر (نظریه مشهور)» و «استقلال قرآن در بیان» باقی می‌ماند.

اولاً بر اساس آمار گذشته، تنها ۱۶٪ کل روایات، تفسیری مستقیم است و بقیه روایات مأموریت و رسالتی در زمینه پرده‌برداری مستقیم از مراد الهی ندارند و این می‌تواند مؤیدی برای دیدگاه «استقلال قرآن در بیان» باشد.

ثانیاً با دقت در سه مدل مطالعه پیش‌تر، یعنی اول اینکه روایات تفسیری مستقیم غیرارشادی هستند یا ارشادی؟ تمام آیه را پوشش تفسیری دادند یا بخشی از آیه را؟ و موضوع مورد بحث این روایات چیست؟ مشخص شد که از مجموع روایات تفسیری مستقیم، ۶۰٪ روایات ارشادی می‌باشد که در صورت عدم بیان معصوم نیز توسط مفسر قابل دستیابی و فهم می‌باشد؛ یعنی منهای روایت معصوم هم می‌شود خود مفسر به مفهوم آیه دست پیدا کند، از این رو روایت بیشتر نقش مؤید به خود می‌گیرد تا نقش منبع. بر این اساس دیدگاه «قرآن و روایات در عرض یکدیگر (نظریه مشهور)» نادرست و دیدگاه «استقلال قرآن در بیان» به واقعیت روایات نزدیک‌تر می‌باشد.

نمودار ۸: نمودار تفکیکی آمار روایات تفسیری مستقیم از نظر میزان وابستگی به معصوم



همچنین بر اساس بررسی‌های انجام شده، بخش قابل ملاحظه‌ای از آیات قرآن دارای روایت تفسیری نمی‌باشد و بخش عمده آیات دارای روایت نیز قسمتی از آیه، تفسیر شده است.

نمودار ۹: آمار تعداد آیات دارای روایت



جدول ۶: آمار روایات تفسیری مستقیم از نظر میزان پوشش آیات

کل روایات: ۱۳۶۵۱	مجموع	لفظ	مفهوم	تأویل مفهومی
روایات تفسیری مستقیم	۲۲۰۹	۱۹۰	۲۰۱۷	۶۸
تفسیر کل آیه	۵۵	۱	۳۶	۲۲
تفسیر بعض آیه	۲۱۵۴	۱۸۹	۱۹۷۱	۴۶

این موضوع چالش مهمی برای دیدگاه «قرآن و روایات در عرض یکدیگر (نظریه مشهور)» می‌باشد که برای روایات نقش منبعی قائل است؛ چرا که بر اساس این آمار، بخش زیادی از کلمات و عبارات قرآن بدون منبع باقی می‌ماند و تفسیر و فهم آن دچار مشکل می‌شود. اما بر اساس دیدگاه «استقلال قرآن در بیان» که خود قرآن را منبع اصلی تفسیر معرفی می‌نماید، خللی در تفسیر بخش اعظم آیات قرآن بدون روایت ایجاد نمی‌شود.

دیگر آنکه از میان ۴۰٪ روایت غیرارشادی، ۶۶٪ روایات در حوزه عقاید صادر شده که حجیت روایات در این حوزه محل بحث است و بر اساس مبنای علامه، خبر واحد در این حوزه حجیت ندارد.

نمودار ۱۰: آمار فراوانی روایات غیرارشادی به لحاظ موضوع



درباره روایات سایر موضوعات (فقه، اخلاق و قصص) که ۴۴٪ از روایات غیر ارشادی است نیز بحثی در مراجعه به روایات برای فهم جزئیات و تفصیلات آیات نیست. در نتیجه آنچه از روایات که به صورت مستقل در تفسیر نقش ایفا می‌کند، فقط روایات غیرارشادی در حوزه اخلاق، فقه و قصص است که بر اساس آمار، بخش کوچکی از کل روایات را تشکیل می‌دهد که ۳۰۲ روایت است و حدود ۲/۵٪ کل روایات را شامل می‌شود.

نمودار ۱۱: آمار روایات قابل استفاده مستقل در تفسیر



روشن است که این حجم کوچک قابلیت منبع قرار گرفتن برای دریای بی‌کران فهم و تفسیر قرآن را ندارد و تنها می‌تواند مؤیدی برای فهم قرآن به قرآن باشد؛ چنان‌که دیدگاه «استقلال قرآن در بیان» نیز همین مطلب را بیان می‌کند و از طرف دیگر، بحث سندی و رجالی این روایات نیز قابل تأمل است.

نتیجه‌گیری

بر اساس آمار ارائه شده و واقعیت‌های موجود در روایات، سه دیدگاه اول غیر قابل پذیرش است؛ چرا که بر اساس نظریه «قرآن‌بستگی»؛ فهم قرآن نیازی به روایات ندارد و کاملاً مستقل است، در صورتی که ۴۰٪ از روایات مستقیم، غیر ارشادی است و بدون آنها نمی‌توان فهم درستی از آیات داشت. نظریه «روایت‌محوری» نیز قابل پذیرش نیست؛ زیرا اولاً بخش اعظمی از آیات قرآن بدون تفسیر می‌ماند؛ چرا که برای بسیاری از آیات، روایتی در دسترس نیست. ثانیاً بسیاری از روایات موجود نیز ارشادی است و بدون آن نیز می‌توان به فهم آیات دست یافت. ثالثاً آیات دارای روایت نیز به صورت بخشی در روایات تفسیر شده‌اند، نه کل آیه، از این رو بخش اعظمی از این آیات نیز بدون تفسیر می‌ماند. رابعاً بیشتر روایات غیر ارشادی در حوزه عقاید است که حجیت آن مورد مناقشه جدی است. بر اساس همین ادله، نظریه «قرآن و روایات در عرض یکدیگر» (نظریه مشهور) که دیدگاه سوم است نیز مورد خدشه قرار می‌گیرد.

در این میان دیدگاه چهارم «استقلال قرآن در بیان» که نظریه علامه طباطبایی است، نسبت به سایر دیدگاه‌ها با آمار به دست آمده منطبق‌تر و به واقع نزدیک‌تر است؛



یعنی فهم قرآن متوقف بر تفسیر روایات نیست و باید نقش روایات امامان علیهم السلام را در غیر از حوزه تفسیر دانست و در حوزه تفسیر صرفاً نقش تأییدی دارند و مدل تفسیر آنها نقش تعلیمی را بر عهده دارد. هرچند این ملاحظه بر این نظریه وارد است که اولاً بخشی از روایات به مفاهیم غیر ارشادی از آیات اشاره دارند که در صورت عدم توجه به آن، احتمال اشتباه در کشف مراد آیه زیاد خواهد بود. ثانیاً آیا در صورت عدم وجود این روایات و در نظر نگرفتن آن و بدون توجه به مطالب ارائه شده توسط این روایات، امکان دستیابی به تفسیر قرآن به قرآن وجود داشت؟ یا اینکه با در نظر گرفتن یافته‌های به‌دست‌آمده از روایات است که می‌توانیم به‌خوبی قرآن را با قرآن تفسیر کنیم. پس می‌توان گفت روایات نقش بسزایی در هدایت مفسر برای تفسیر صحیح از آیات قرآن دارند؛ هرچند نقش مستقیم نداشته باشند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اخباری نیشابوری، میرزا محمد؛ مصادر الانوار فی تحقیق الاجتهاد و الاخبار، چاپ سنگی.
۳. استرآبادی، امین؛ الفوائد المدنیة و الشواهد المکیة، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۴. انصاری، شیخ مرتضی؛ فرائد الاصول، قم، مجمع فکر الاسلامی، ۱۴۳۱ ق.
۵. ایازی، سید محمدعلی؛ «تحلیلی از جایگاه قرآن‌شناسی اهل بیت در روایات کلینی»، حدیث پژوهی، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ۱۴۵-۱۵۱.
۶. بابایی، علی‌اکبر؛ عزیزی کیا، غلامعلی؛ روحانی راد، مجتبی؛ روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ ش.
۷. بابایی، علی‌اکبر؛ مکاتب تفسیری، تهران، سمت، ۱۳۸۱ ش.
۸. بخاری، محمدبن اسماعیل؛ صحیح البخاری، بی‌جا، شیخ الاسلام، ۱۳۸۷ ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۵ ش.
۱۰. حسینی، سید عبدالله؛ «قرآنیون یا منکران سنت»، معرفت کلامی، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، ۵۹-۸۴.
۱۱. حیدری، محمدصادق؛ ربیع نتاج، سید علی‌اکبر؛ «بررسی کارکرد روایات تفسیری در «متشابه القرآن» ابن شهر آشوب مازندرانی»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره ۱۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، ۱-۲۵.

۱۲. خاکپور، حسین؛ «گونه‌شناسی روایات تفسیری امام صادق علیه السلام»، حسنا، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۱، ۱۰۳-۹۵.
۱۳. دیاری، محمدتقی؛ «نقش و کارکرد روایات تفسیری معصومان بر اساس دیدگاه علامه»، حدیث پژوهی، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ۴۷-۳۲.
۱۴. رستم‌نژاد، مهدی؛ «کارکردهای تطبیق در احادیث تفسیر»، علوم حدیث، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۹۱، ۱۲۰-۱۰۵.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۱۶. طیبی، زینب؛ مهدوی‌راد، محمدعلی؛ «آسیب‌های مبنایی و روشی قرآنیون در فهم و تفسیر قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، سال بیستم، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۷۶، ۱۶۱-۱۴۰.
۱۷. عروسی حویزی، عبدعلی‌بن جمعه؛ تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۸. قمرزاده، محسن؛ «گونه‌شناسی روایات نورالثقلین، تحلیل کارکردها و پیامدها»، رساله دکتری، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده الهیات و فلسفه، گروه قرآن و حدیث، ۱۳۹۶.
۱۹. محمدی‌فام، فریدون؛ «نقد و بررسی شاخصه‌های تفسیر، تأویل و تطبیق» جهت گونه‌شناسی و تفکیک روایات تفاسیر روایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن، تهران، ۱۳۹۰.
۲۰. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ش.
۲۱. معرفت، محمدهادی؛ التفسیر الاثری الجامع، قم، التمهید، بی‌تا.
۲۲. معرفت، محمدهادی؛ التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، قم، التمهید، بی‌تا.
۲۳. مقتدایی، زینب؛ «کارکردگرایی در بستر جامعه‌شناسی»، علوم سیاسی دانشگاه کرج، دوره ۸، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۸، ۵۱-۳۲.
۲۴. مهریزی، مهدی؛ «روایات تفسیری شیعه؛ گونه‌شناسی و حجیت»، علوم حدیث، بهار ۱۳۸۹، شماره ۵۵، ۳۶-۳.
۲۵. واقدی، محمدبن عمر؛ المغازی، بیروت، اعلمی، بی‌تا.